

روی کار می‌آید. رمز ارز یوان در واقع رزرو یک به یک است؛ به این معنا که گویا اسکناس یوان را به رمز ارز تبدیل کرده باشند. حساب بانکی یا سپرده نیست؛ اسکناس است که به رمز ارز تبدیل شده است. انتظار می‌رود که عملیات انبساطی شان را با این ارز انجام دهند؛ وقتی کار انبساطی انجام می‌دهد، یعنی دارد دقیقاً خلاف آمریکایی‌ها می‌گوید، حالا که می‌خواهم کار انبساطی هم بکنم اسکناس می‌دهم و به این سمت دیسپلین نزدیک می‌شود. اگر فرض کنیم که این یک قمار دو طرفه است، این دیسپلین وقتی معنا دارد که شما تحریک تقاضا کنید. واضح است چینی‌ها باید این کار را کنند؛ اما اینکه شما دارید تحریک تقاضایی با پایه پولی می‌کنید، به صورت مستقیم، نیازمند این است که بتوانید هدف‌گذاری کنید و کاملاً رسته‌هایتان را از هم جدا و ضریب مالی این‌ها را داشته باشید، ببینید به کجا برنید دقیقاً می‌شود؛ این نقطه مقابل سیاست غرقایی آمریکا است.

### این اتفاق بزرگ گویا سابقه تاریخی مفصلی هم دارد!

**شاکری:** بله؛ اگر آمریکایی‌ها برای مدت طولانی ناچار شوند این کار را بکنند، به نحوی که دچار رکود تورمی شوند، با همه فرض‌هایی که در بخش نخست صحبت‌م گفتم و اینکه چینی‌ها سمت دیسپلین این بازی باشند، بازی عظیمی است و بهترین مثال برای این بازی روابط مالی انگلستان و آمریکا در بعد از جنگ جهانی اول تا مقطع برتون وودز است که هیچ‌کدام نمی‌خواستند دیگری را کنار بگذارند. دو متحد استراتژیک باهم بودند؛ اما کاملاً در فرایند خودانگیخته آگاهانه. به تدریج لیره استرلینگ که در زمان خودش از دلار موفق‌تر و ارز جهان‌روای قابل تبدیل به طلا بود، کنار رفت. دلار صرفاً ارز جهان‌روا است و قابلیت تبدیل به طلا را ندارد. بعد از جنگ جهانی اول نقطه تنازعی شروع شد و در برتون وودز لیره از جهان‌روایی افتاد و دلار جای آن را گرفت.

طی این دوره و دقیقاً در این فاصله زمانی انگلیسی‌ها و خیلی شدیدتر اروپایی‌ها در سمت انعطاف ایستاده بودند و به علت مخارج جنگ جهانی اول، بدون اینکه فکر کنند لزوماً باید به طلا وصل شود، لیره چاپ می‌کردند. انگلیسی‌ها در این ماجرا از همه قوی‌تر بودند. نکته مهم‌تر اینکه به دلیل جنگ، «مرکز

تأمین مالی کوتاه‌مدت برای تجارت» تا سه ماه از لندن به نیویورک جابه‌جا شد. نقطه آغاز افتادن انگلستان در آن چرخه‌ای که از قدرت افتاد این لحظه بود. حتی وقتی که آقای «آلن یانگ» جزء مشاوران اول فدرال رزرو در زمان تأسیس در دهه ۲۰ این مقاله را می‌نویسد، باورش نمی‌شود که انگلستان از قدرت بیفتد، می‌گوید این موضوع موقت است؛ ولی هیچ‌وقت دیگر مرکز تجارت کوتاه‌مدت جابه‌جا نشد و در نیویورک ماند.

به این ترتیب و کم‌کم در طول ۲۰ سال جمع اینکه بستانکار بزرگ سمت دیسپلین که بیشترین طلا را در نظام طلا داشت، به علاوه جابه‌جایی تأمین مالی با همدیگر باعث این اتفاق شد. عین این مسیر می‌تواند برای یوان و دلار رخ دهد؛ تجارت در شرق زودتر راه بیفتد و مرکز تأمین مالی تجارت کوتاه‌مدت به سمت شرق برود که احتمالاً شانگهای بعد از وقایع هنگ‌کنگ می‌تواند گزینه مناسبی باشد. از طرف دیگر موجودیت کاملاً مستقل از آمریکا تأمین مالی، از طرف دیگر یوان با موفقیت بتواند این دیسپلین را حفظ کند. بزرگ‌ترین پرسش بانک‌های مرکزی دنیا این است که «اگر دلار نه، پس چه؟» و یوان دارد به پاسخ عبارت «پس چه؟» نزدیک می‌شود. اگر بحران کرونا بخواهد تا ۲۰۲۱ به صورت جدی ادامه یابد؛ این پیش‌بینی خیلی به واقعیت نزدیک است؛ وگرنه، خیر! یوان تمام شرایط جهان‌روا شدن را دارد و یک سیستم گسترده تسویه بین‌المللی «CIPS» است. بازار یوان خارج از کشور، یعنی نوعی یورودولاریوانی که اتفاقاً CIPS برای نظم دادن به آن ایجاد شده است و امکان وصل کردن به بودجه چین را هم دارد. آن دو ویژگی را که گفتم، ندارد. ممکن است به دست آورد و دنیا خیلی عوض می‌شود. بدون اینکه معنایش این باشد که این‌ها دارند تنازع می‌کنند؛ چون انگلیس و آمریکا که با هم نزاع نداشتند، در نقطه سقوط انگلستان، آمریکایی‌ها برای انگلیس از بانک مرکزی استقراض کردند و او را با وام دادن نجات دادند؛ ولی سرانجام سقوط کرد.

### وقتی یوان ثبات ندارد و مرتب دارند آن را کاهش ارزش می‌دهند، می‌تواند در سبد کشورها قرار گیرد؟

**شاکری:** تقریباً یوان پگ است به دلار، سؤال در مورد یوان این نیست که چینی‌ها این را کاهش ارزش می‌دهند، بلکه سؤال این است که چرا با وجود افزایش

سایز اقتصاد، این را مؤثر نمی‌کنند؟ چینی‌ها ارزشان را تضعیف نکرده‌اند، مانع تقویتش شده‌اند؛ این دو متفاوت است.

### چین مثل آمریکا بازارهای مالی عمیقی ندارد. آیا مشکلی برایش پیش نمی‌آید؟

**شاکری:** وقتی ارز آمریکا جهان‌روا شد، بازار مالی عمیقی نداشت. ما دو مکتب داریم: «مالیه مستقیم» و «مالیه غیرمستقیم». در تأمین مالی غیرمستقیم شما همیشه بازار مالی ندارید، بازار پول جدا است. شما یک واسط داری؛ این واسط بانکی است که در کوتاه‌مدت پول خلق می‌کند و در بلندمدت قرض می‌دهد. آمریکای دهه ۵۰ این نیست که الان می‌بینیم؛ آمریکای بانکداری سایه است؛ یعنی آنکه بازار پول را تأمین می‌کند، می‌داند که این طرف ترازنامه بانکداری سایه و طرف دیگر اوراق است؛ بانکی وجود ندارد! بانک فقط ضامن نقدشوندگی آن پشت حضور دارد. پس نیازی نیست لزوماً بازار مالی عمیقی به معنای تعداد زیاد مشتقات و حجم زیاد اوراق شرکتی داشته باشد. چین همین حالا بانک‌های مناسبی دارد. اگر به همان چین برگردیم، واقعاً واجد شرایط لازم است و امکاناتش را هم دارد. من این جمله را قبول دارم که اگر یک کار چینی‌ها اشتباه درآید، شانس انجام یک کار دیگر را هم دارند؛ بدون اینکه نگران تبعاتش باشند. دامنه سیاست‌گذاری خیلی فراخ است که می‌شود روی یوان انجام داد.

### مهم نیست که کشورهای الان چه کار می‌کنند، مهم این است که وقتی کرونا تمام شد چه اقدامات و سیاست‌هایی این کشور را قوی می‌کند؟ یا اگر کرونا کش آمد چه سیاست‌هایی انجام می‌دهند؟

**فکری:** شما فرمودید سیستم تسویه یوان ایجاد شده است؛ مگر این سیستم تسویه یوان طوری نیست که حتماً باید طرف چینی داشته باشد؟

**شاکری:** هر سیستم تسویه‌ای همین‌طور است. **فکری:** منظور این است که حتماً باید یک طرفش چین باشد.

**شاکری:** می‌توانیم بگوییم معمول این است که یک طرف آن چین باشد؛ ولی به لحاظ فنی لازم نیست که حتماً یک طرفش چین باشد.

**فکری:** چین خودش به این سمت نمی‌رود که تشویق کند، ایران و روسیه می‌خواهند با هم ارتباط